

انشانویسی فارسی در شبه قاره

ابوالقاسم رادفر

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده

پیشینه انشانویسی در ایران به دوره ساسانی می‌رسد که شامل اسناد رسمی و نیز نامه‌های خصوصی و بعضاً بیان سخنان بزرگان و نصایح اخلاقی و بندهای دینی بوده است. پس از اسلام، انشانویسی از زمان تکوین زبان فارسی دری در دوره یعقوب لیث صفاری آغاز می‌شود و افرادی مثل محمد بن وصیف سگزی دبیر رسائل یعقوب و سپس ابوالفضل بیهقی و منشیان دیگر آن را پی می‌گیرند.

با نفوذ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره، انشانویسی در کنار فرهنگ و دستورنویسی به گونه‌ای چشمگیر مورد توجه ادیبان و منشیان قرار گرفته است و آثار فراوانی در زمینه‌های گوناگون این فن چون منشآت، رقعات، مراسلات و مکتوبات پدید می‌آید که به مراتب حجم این آثار در شبه قاره خیلی بیش از ایران است. سبک این آثار بیشتر مصنوع، همراه با سجع و قرینه و آراسته به صنایع لفظی و معنوی و گاه آوردن شعر در ضمن نثر است و تقریباً تمام ویژگیهای سبک نثر مصنوع در منشآت دوره تیموری دیده می‌شود. البته منشآت به زبان ساده هم در بین این آثار وجود دارد.

کلیدواژه: انشا، مکتوبات، مراسلات، سبک، موضوع، شبه قاره، زبان فارسی.

انشا واژه‌ای عربی است به معنی آغاز کردن، آفریدن، از خود چیزی گفتن، ایجاد. همچنین سخن‌پردازی، سخن‌آفرینی، نویسندگی، شاعری، تألیف عبارات.

دل شعبده‌ها گرفت از ملکوت جان معجزه‌ها نمود در انشاء

(مسعود سعد سلمان)

یا علمی که دانسته شود بدان ترکیب عبارات نثر. نوشته مترسلاانه و فصیح و با سجع و قافیه (ناظم الاطباء)، هر نوع نوشته‌ای که مراد از آن نمایاندن قدرت نویسندگی و تعیین ارزش نوشته باشد.^۱

در مفاتیح العلوم، انشا به معنی اسناد درباری توصیف شده است، که رئیس دفتر پس از مطالعه و آوردن ترامیم لازم آن را به شکل نهایی درمی‌آورد. پاره‌ای دیگر از سخن‌شناسان "انشا را فنّ ترسّل گفته‌اند."^۲

انشا در اصطلاح ادبی یکی از فنون ادب و گونه‌ای ادای سخن است که نویسنده تلاش می‌کند با زبانی فصیح و بلیغ، اندیشه‌ها و گفته‌های خود را بیان کرده، آن را به دیگران القا کند؛ یا به عبارت دیگر، نوعی القای اندیشه و احساس در کلام منشور است که بر اساس فصاحت و بلاغت شکل می‌گیرد.

در اصطلاح اهل ادب، نوشتن نامه‌های خصوصی یا رسمی یا عهدنامه‌ها و فرمانهاست. در قدیم به کسی که این کار را می‌کرد، منشی می‌گفتند و او فردی بود که در علوم مختلف ادبی دست داشت. دربارهٔ ویژگیهای دبیر و منشی در منابع گوناگون از جمله چهار مقاله نظامی عروضی سخن بسیار است.

در اصطلاح علم معانی، انشا سخنی است که محتمل صدق و کذب در آن نباشد، زیرا گوینده یا نویسنده قصد ندارد چیزی را در عالم واقع نشان دهد؛ به بیان دیگر، انشا در لغت به معنی ایجاد است و در اصطلاح عبارت است از کلامی که با لذات محتمل صدق و کذب نباشد چون: اجلس، لا تضرب، هل زيد کاتب. به عبارت اخری کلامی است که برای نسبتش، خارجی که با آن خارج مطابقت کند یا نکند، نباشد^۳ که البته انشا در اصطلاح فن معانی از

بحث ما خارج است و از آن درمی‌گذریم و به ادامه سخن خود می‌پردازیم یعنی "علمی که به وسیله آن اطلاعاتی درباره عبارات نثر فراهم می‌آید."^۴

فن دبیری و انشای رسائل دیوانی در ادبیات ایران پس از اسلام، خود به صورت رشته‌ای مخصوص از فنون است که دارای طرزی ویژه و متفاوت از سایر فنون نثر است.

شاید بتوان نخستین دبیر رسمی دربار ملوک ایران پس از اسلام را محمد بن وصیف، دبیر رسائل یعقوب صفاری دانست. پس از وی، در قرن چهارم می‌توان از بونصر مشکان دبیر رسائل محمود غزنوی و شاگرد برجسته وی ابوالفضل بیهقی نام برد که انشا و ترسل را در فارسی به مقامی عالی از فصاحت و بلاغت رسانیده‌اند.

تدوین منشآت اولین بار توسط بیهقی انجام گرفته که متأسفانه به سبب اغراض معاندان در زمان بیهقی به استناد تاریخ بیهقی از بین رفته است.^۵

البته "در دوره ساسانی اسناد رسمی و نیز نامه‌های خصوصی شیوه مصنوع و سبک معین داشتند و در آنها سخنان بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی می‌آمد و مقام و مرتبه مخاطب و نویسنده نامه در عبارت و بیان بدقت رعایت می‌شد."^۶

کارآمد بودن دستگاه اداری ساسانی به احیای سنتهای آن در حکومت اسلامی انجامید و از آن میان به شیوه‌های نگارش، اصول ترکیب و انشا، طرز خطاب و عناوین مناسب برای بزرگان و بلندپایگان ارج نهاده شد."

قدیمترین مجموعه منشآت موجود، نامه‌های رشیدالدین وطواط دبیر مشهور خوارزمشاهیان و دیگر عتبه الکته، منتجب الدین بدیع، منشی صاحب دیوان سلطان سنجر است که شامل منشآت دیوانی (سلطانیات) و اخوانیات اوست. البته نباید از ذکر مقاله "ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل" چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (تألیف ۵۵۱ هـ.) و نیز دستور دبیری اثر معین الدین محمد بن عبدالخالق المیهنی (کتابت ۵۸۵ هـ.) غافل ماند. همینطور نمی‌توان از صفحات آخر کتاب راحة الصدور راوندی در معرفی اصول نامه‌نگاری (تألیف ۵۹۹ هـ.) و

دستورالکاتب فی تعیین المراتب شمس نخجوانی معروف به شمس منشی که شامل مکتوبهای شاهان و امیران و عالمان و حکیمان است، چشم پوشید.

از نظر ساختار، شکل کلی آغاز و پایان نامه‌ها تقریباً یکسان بوده و فقط در نوع لقب و دعا، بر حسب شأن مخاطب آنها تغییر می‌کرده است. از جهت سبکی معمولاً در منشآت انواع صنایع به کار می‌رود.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که وقتی از ترسل سخن به میان می‌آید بیشتر "معنی نامه‌نگاری و دبیری و آداب آن، و دو گونه است: دیوانی و اخوانی، که امروزه به ترتیب نامه رسمی یا اداری و نامه دوستانه یا خصوصی خوانده می‌شود."^۷

موضوع انشا زمینه بسیار وسیعی را دربرمی‌گیرد که مهمترین اقسام آن عبارت است از: منشآت، مکتوبات، رقعات، مراسلات اداری و قضایی و انشای لطیف^۸ یا اگر بخواهیم به عناوین زمینه‌ها به طور گسترده‌تر اشاره کنیم علاوه بر موارد بالا شامل مناظرات، تمثیلات، توصیفات، مقالات، روایات و حکایات، تاریخ نامه‌ها و مقالات نیز می‌شود.

پیش از اینکه به وضعیت انشاپردازی در شبه قاره هند و پاک پردازیم، ذکر این مطلب ضروری است که به طور کلی از آغاز نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه قاره از زمان محمود غزنوی به بعد چند زمینه زبانی - ادبی و تاریخی فارسی در سرزمین بهارت به دلایل گوناگون از جمله نیاز، توسعه روزافزون یافت؛ موضوعاتی چون لغت و فرهنگ، دستور، تاریخ، تذکره و انشانویسی که بدون اغراق، حجم آثاری که در این موضوعها در شبه قاره در طول نزدیک به هزار سال پدید آمده خیلی بیشتر از مجموع آثاری است که در ایران و سایر کشورهای فارسی‌زبان از قرون پیشین تا حداقل پنجاه ساله اخیر است.

فهرستها، کتابشناسیها و منابع مختلف تحقیقی و مرجع در این موضوعات، خود گواه این مطلب است که فعلاً نیازی به ذکر آنها نیست.^۹ از این روست که محققان و ادیبان هندی در طول تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره علاوه بر حجم کتابهای انشا در موضوعهای

گوناگون در شبه قاره با توجه به منابع و مآخذ - ر صورت دستیاب بودن - بالغ بر ۸۰۰ کتاب می‌شود که معرفی و ذکر اسامی آنها هم در این مختصر امکان ندارد.

گفته شد یکی از اقسام انشا، مکتوبات یا مکاتیب است که به معنی نوشته شده و نامه آمده است و از این لحاظ با منشآت فرق دارد که نویسنده در آن می‌کوشد تا به مقتضیات زمان، اطلاعات بیشتری را فراهم آورد و به نحو مؤثری ظاهر کند. این اطلاعات می‌تواند جنبه سیاسی، ادبی و مذهبی نیز داشته باشد. بعضی از مکاتیب شامل فرمانهای پادشاهان است و گاهی اطلاعات اداری و قانونی را فراهم می‌آورد. نمونه این قسم انشا مکاتیب *رای آندرام* مخلص است. این مکاتیب شامل پنج مکتوب است که میان نورمحمد حاکم سند در کتاب خود به نام *منشور الوصیت و دستور الحکومه* از نسخه خطی و رقعات آندرام مخلص نقل کرده است. آندرام مخلص از منشیان بسیار معروف شبه قاره به شمار می‌رفت که در انشانویسی و لغت‌نویسی و نامه‌نگاری و شاعری شهرت فراوانی داشت. او در نویسندگی فارسی روش تازه‌ای را ابداع کرد؛ چنانکه در تذکره *نشر عشق* تألیف آقا محمد حسین قلی خان آمده است: "در فارسی روش مخصوصی به دست آورد." یکی از ویژگیهای سبکی او مانند دیگر منشیان این دوره استعمال لغات محلی در نثر اوست؛ اگرچه جمله‌های مسجع، مرصع و متکلف فراوان به کار برده است؛ به عنوان مثال نمونه‌ای از این نوع نثر در زیر آورده می‌شود:

"چون خاطر خطیر شاه ذی جاه از انتظام مهمام هندوستان به کلی فراغ حاصل ساخت، اراده مملکت خراسان بنا بر اینکه از آوارگی‌های آنجا خلجانی به خاطر بود بر ضمیر انور پرتو انداخت."^{۱۰}

نمونه‌هایی دیگر از مکتوبات را فقط ذکر می‌کنیم:

۱- مکاتیب علامی، ابوالفضل علامی، چاپ هند، ۱۲۶۹ ق.

۲- مکتوبات امام ربّانی / مکتوبات مجلّد الف ثانی (در سه دفتر)، شیخ احمد سرهندی

(۹۷۱-۱۰۳۴ ق)، چاپ لکهنو، ۱۲۹۴ ق.



- ۳- مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری (در ۱۰۰ مکتوب)، گردآورنده زین بدر عربی، چاپ لکنهو، ۱۳۰۷ ق.
- ۴- مکتوبات سعدالله خان، سعدالله خان علامی (-۱۰۶۶ ق) به تصحیح ناصر حسن زیدی، چاپ لاهور، ۱۳۸۵ ق.
- ۵- مکتوبات کلیمی (در ۱۳۲ مکتوب)، کلیم الله چشتی شاه جهان آبادی (۱۰۶۰-۱۱۴۱ ق)، چاپ دهلی، ۱۳۱۵ ق.
- ۶- مکتوب عبدالرحمان چشتی، عبدالرحمان چشتی (-۱۰۹۴ ق)، کتابخانه راجه محمود آباد لکنهو، ردیف ۹۹۲/۶.
- ۷- مکتوبات کیانی، قاضی ملک رستم کیانی، گردآورنده محمد بشیر حسین، چاپ لاهور، ۱۹۷۶ م.
- ۸- مکتوبات میرزا جلال (نامه میرزا جلال به امینا)، میرزا جلال؟ موجود در کتابخانه گنج بخش، به شماره ۷۹۹۹، کتابت: سده ۱۱ ق.^{۱۱}
- نوع دیگر انشا، رقعات جمع رقعہ است به معنی نامه، نوشته، تکه کاغذ که روی آن بنویسند... در اصطلاح ادبی رقعہ، نامه شخصی را گویند. نویسندہ در رقعات اوضاع و احوال زمان خود را بیان می‌کند و عبارات او عاری از هرگونه تکلف و تصنع است. البته اگر نویسندہ ادیب باشد، چاشنی و زیبایی در عبارت خود به کار می‌برد که نزدیک می‌شود به منشآت، ولی چون این نوع نوشته به نامه‌های شخصی مربوط است، آن را رقعات نامیده‌اند؛ مانند رقعات بیدل، رقعات عالمگیری، پنج رقعہ و ...
- رقعات بیدل از میرزا عبدالقادر بیدل مشتمل بر ۲۷۷ نامه یا رقعہ و جواب نامه است. این کتاب در ۱۳۰۲ هـ / ۱۸۸۵ م. در ۱۵۶ صفحه در چاپخانه نولشکور چاپ شده است. نثر کتاب در مجموع نثری منشیانه، دقیق، رنگین و گاهی مصنوع و در غالب موارد توأم با تشبیهات، کنایات و استعارات جالب است و ارزش بسیار در ادبیات و نثر فارسی دارد.

رقعات عالمگیری، مجموعه نامه‌های اورنگ زیب شاه چهارم (۱۰۳۶-۱۰۶۸ق)، شاهزاده‌ها و شاهدخت جهان‌آرا است که به کوشش سید نجیب اشرف ندوی گردآوری شده است ... موضوع رقعها با نظامت دکن آغاز شده است. در پایان کتاب رقعاتی که میان شاه جهان و شاهزاده‌ها و شاهدختها رد و بدل شده، آمده است.^{۱۱}

پنج رقعہ از مبارک‌الله واضح متخلص به ارادت خان. نثر او مسجع، مصنوع و مقفی است همراه با صنایع و مناسبات لفظی و معنوی که کنایات، استعارات و تشبیهات فراوان در آن به کار رفته است. پنج رقعہ در ۲۴ ورق و ۴۸ صفحه در سال ۱۲۸۵م. در کانپور چاپ شده است.

۱- رقعات ابوالفضل علامی (هر سه دفتر)، ابوالفضل فرزند مبارک علامی (۱۰۱۱ق)، چاپ لکنهو، ۱۲۷۰ق.

۲- رقعات جویا کشمیری، میرزا داراب بیگ تبریزی متخلص به جویا (۱۱۱۸ق)، کتابت: سده ۱۲ق.

۳- رقعات حزین، محمد علی حزین لاهیجی (۱۱۸۱ق)، کتابت: ۱۲۴۷ق.

۴- رقعات شیورام، شیورام لاهوری متخلص به عاشق (۱۱۷۹ق)، کتابت، سده‌های ۱۲-۱۳ق.

۵- رقعات عالی (انشای طیبی) هجو حکما، نعمت خان عالی (۱۱۲۱/۱۱۲ق)، کتابت: ۱۲۲۱ق.

۶- رقعات کنبوه، حسن کنبوه، گویا متخلص به فتاحی، کتابت: ۱۲۵۵ق.

۷- رقعات نصیرای همدانی، منشآت نصیرا، دیباچه‌ها، خواجه نصیر الدین نصیرای همدانی (۱۰۳۰ق) موجود در کتابخانه گنج بخش، ۶۷۹، کتابت: ۱۲۲۳ق.

۸- رقعات والجاهی (مکاتیب، اسناد، فرمان‌ها)، به اهتمام سید حمزه حسین عمری، چاپ مدراس، ۱۹۵۸م.^{۱۸}

قسم دیگر انشا، مراسلات یا نامه‌ها یا نوشته‌هایی است مشتمل بر بیع‌نامه، رهن‌نامه، هبه‌نامه، استغاثه، عرایض، احکام، عهدنامه، بیعه‌نامه، نکاح‌نامه و فرمانهای پادشاهان و منشور، که حاوی اطلاعاتی درباره انضباط اداری و قانون یا جنگ و امنیت و ... است که به هر استان یا بخش ارسال می‌گردد و صورتی از آن برای افسران عالی‌رتبه فرستاده می‌شود.^{۱۹}

نمونه‌ای از این مراسلات مکاتیب و مراسلات "جان لارنس" استاندار لاهور است که در گنجینه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ۱۴۱۴/ ۴۴۶۴ موجود است که در سده ۱۳ ق. کتابت شده یا *مراسلات احمدی* که در ۱۲۵۹ ق. توسط حافظ احمد بدیوانی گردآوری شده است.^{۲۰}

سرانجام، *انشای لطیف* است که آن را می‌توان حاصل خاطره‌های شخصی مصنف توصیف کرد و به منظره‌ها، سرگذشت یا وقایعی مربوط می‌شود که نویسنده تحت تأثیر قرار گرفته و با صنایع و بدایع و نثری رنگین به تحریر درآورده است؛ مانند پنج رقعۀ ظهوری، رقععات بیدل.^{۲۱}

سه نثر ظهوری و مینابازار و پنج رقعۀ وی از کتب رایج درسی هند اسلامی بوده و جمعاً ۲۳ بار چاپ شده است. برخی منشآت در شبه قاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از جمله *اعجاز خسروی* تألیف امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ هـ.) که مشتمل بر قواعد نه‌گانه نثر فارسی و نامه‌هاست که برخی آن را اولین نمونه منشآت فارسی در هند به حساب آورده‌اند یا *انشاء ماهرو* از عین الملک عبدالله ماهرو ملتانی (م ۷۶۴ هـ.) متعلق به دوره خلجیان که در ۱۹۶۵ م. در لاهور چاپ شده است یا *انشاء یوسفی* که به *بدایع الانشاء* هم معروف است (تألیف در ۹۴۰ هـ. در هند) از یوسفی هروی منشی همایون شاه (۹۳۷-۹۶۳ هـ.) یا *رقعات حکیم ابوالفتح گیلانی* که از سنخ اخوانیات است که از سوی دانشگاه پنجاب در ۱۹۶۸ در لاهور چاپ شده است یا *مجموعه منشآت فیضی قیاضی* (م ۱۰۰۴ هـ.) معاصر اکبر یا منشآت منیر لاهوری (م ۱۰۵۴ هـ.) به نامهای *نگارستان* یا *نگارستان منیر و نوباو* و *انشاء شاه طاهر دکنی* (م ۹۵۳ هـ.) به نام *انشاء روح افزا* در خور ذکر است.

حال که ذکری از دکن به میان آمد، بی‌مناسبت نیست که از قاسم طبسی و مجموعه منشآت او که شامل چهل مکاتیب است یاد شود. قاسم طبسی در زمان جمشید قلی قطب شاه به گولکنده رسید و از طرف شاه انعام و جاگیر یافت و در ۹۷۹ هـ. در زمان حیات ابراهیم قلی قطب شاه منشآت خود را به پایان رسانید. نسخه‌ای از این منشآت در کتابخانه سالار جنگ به شماره ۳۱ در موضوع ادب نثر موجود است. دیگر حاجی عبدالعلی طالقانی "ناظرالملک" است که در زمان عبدالله قطب شاه (۱۰۳۵-۱۰۳۸ هـ.) و ابوالحسن تانا شاه (۱۰۳۸-۱۰۹۸ هـ.) بوده، مجموعه منشآت و نامه‌های او به شماره ۱۵ موضوع ادب نثر در کتابخانه سالار جنگ موجود است که سبک و روش نگارش او در مقایسه با معاصرانش تا حدی تازگی دارد.

سرآمد منشیان دکن در دوره عادلشاهیان، نورالدین محمد ظهوری ترشیزی (م ۱۰۲۵ هـ.) است. نثر ظهوری به شیوه نثرهای مصنوع، و در هندوستان، سرمشق فصاحت و انشا و ترسل است؛ بویژه سه نثر ظهوری. مجموعه منشآت ظهوری تشکیل می‌شود از:

۱- دیباچه نوریس ۲- گلزار ابراهیم ۳- خوان خلیل ۴- مینا بازار از ملا طغرای مشهدی که از شاعران و نویسندگان زبردست سده یازدهم هجری است. رسائل و منشآت متعددی از او به پارسی باز مانده که به هر یک از آنها نام شاعرانه داده است.

رقعات طغرا که بخشی از رسائل طغرای مشهدی است به سال ۱۸۷۶ در کانپور چاپ شده است. صمصام الدوله شاهنوازخان رقعات طغرا را با منشآت ظهوری مقایسه کرده و ظهوری را استاد مسلم الثبوت در فن انشا نامیده است. ناقدان سخن مجموعه شبنم شاداب ظهیرای تفرشی (سده یازدهم هجری) را متأثر از شیوه نگارش ظهوری می‌دانند.

همچنین منشآت نصیرای همدانی از شاعران سده یازدهم هجری در هند به حدی شهرت یافته که به عنوان سرمشق مهارت در ترسل محل استفاده بوده و ملا طغرای مشهدی آن را با نثر ظهوری مقایسه کرده است.

دیگر مجموعه‌نامه‌ها و بعضی منشآت جلالای طباطبایی به نام *رقعات جلالا* از شاعران و نثرنویسان سده یازدهم هجری است. مجموعه‌ای دیگر از نوشته‌های او به نام *منشآت جلالا* است. دیگر سه نثر *جلالا* است که به تقلید از سه نثر *ظهوری* تهیه شد.

بنا به نوشته نصرآبادی ناقلان عهد شیوه میرزا جلال را در نثر با طرز و صاف مشابه دانسته‌اند. در دوره اعتلای انشانویسی فارسی در شبه قاره، هندوان فارسی‌دان نیز آثار چندی در زمینه انشا فراهم آورده‌اند؛ منشیانی مانند "هرکرن"، "چندر بهان برهمن"، "مادهورام"، "ملک زاده منشی" و "اودهی راج" درخور ذکر هستند. همچنین به وسیله هندوان کتابهایی در فن انشا نوشته شده مانند، *طراز الانشاء*، *گلدسته فیض*، *دقایق الانشاء* (بر اساس ۱۹ کتاب)، *انشای دین دیال*، *گلشن عجایب*، *رقعات صاحب رام*، *رقعات مخلص* و غیره که از میان آنها منشآت *برهمن و انشاء هرکرن* بسیار مشهور است.

مجموعه منشآت چندر بهان برهمن (م. ۱۰۷۳ هـ.). شامل نامه‌هایی است که به شاه جهان و وزیران و بعضی از امیران بزرگ او نوشته شده و در این مجموعه به ترتیب طبقات و مراتب امرا و رجال تنظیم کرده است.

دیگر *ارشاد الطالبین یا انشاء هرکرن از هرکرن پسر متهداس کنبوه* (م ۱۰۳۳ هـ) در فن نامه‌نگاری و منقسم به هفت باب شامل سرمشک‌های مناسب در نوشتن نامه‌های سلطانی، فرمانها، پروانه‌ها، عریضه‌ها، نامه‌های اخوانی، تمسک‌نامه‌ها، دستکها، سرنامه‌ها و ... است. مجموعه‌های انشا بویژه از عهد اورنگ زیب به بعد در هند یا به قصد تعلیم فراهم آمده و یا مجموعه‌هایی است از نامه‌های مشهور و مهم که بتدریج شهرت یافته و گردآوری شده است.

انشانویسی در سده اخیر هم در هند رواج داشته است به گونه‌ای که در دوره آصفجاییان در حیدرآباد دکن منشیان معروفی چون هاشم علیخان المخاطب به موسوی خان جرأت و فرزندش مستعد خان، میرحیدر اعتصام الملک، محمد اسمعیل خان اسمعیل یار جنگ و میرابوالقاسم المخاطب میرعالم بهادر درخور ذکر است.

البته بحث درباره انشانویسی فارسی در هند به این مقدار تمام نمی‌شود زیرا فقط در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد بالغ بر دویست و هفتاد نسخه از منشآت وجود دارد که بیشتر آنها کتابهایی است که در هند نوشته شده که حتی ذکر فهرست آنها خود بسیار مفصل است. از این کتابخانه‌ها و فهرست‌ها در شبه قاره فراوان است که حاوی منشآت فارسی در دوران رواج فارسی در این سرزمین وسیع است.^{۳۳}

اهمیت تاریخی انشاها

بیشتر رقعات، مراسله‌ها و فرمانهای پادشاهان دارای اهمیت تاریخی فراوان است، زیرا اطلاعات مفید و سودمندی درباره اوضاع و احوال سیاسی کشورها، پادشاهان، امرا و مناطق به ما می‌دهند مانند رقعات *بیدل* که مملو از وقایع تاریخی عهدشاه عالم بهادرشاه اول (۱۱۱۹هـ. تا ۱۱۲۴هـ.) و جهاندارشاه (۱۱۲۴هـ. / ۱۷۱۲م.) است.

اهمیت دینی انشاها

مکاتیب و مخطوطات علما و صوفیان، علاوه بر عقاید و تمایلات دینی جنبه اصلاحی و اخلاقی نیز در بر دارد. چون علما و بزرگانی مانند شاه ولی‌الله محدث دهلوی (۷۹هـ. / ۱۷۶۲م.)، شاه غلام علی میرزا مظهر جان جانان (۱۷۸۰م.) در نوشته‌های خود کوشیده‌اند تا اختلافات مذهبی و رخنه‌ها و بدعت‌هایی را که در دین اسلام در اثر مذهب هندو راه یافته بود، برطرف سازند.

اهمیت فرهنگی و اجتماعی انشاها

انشاها از طرز زندگی، آداب معاشرت، لباس و خوراک مردم سخن می‌گویند؛ به عبارت دیگر می‌توان انشای *خلیفه* تألیف شاه محمد و انشای *دلگشا* تألیف منشی فتح چند را نام برد.

مختصات فنی انشاها

۱- سجع و ترصیع

۲- ایهام، تشبیه، استعاره و کنایه.

۳- آرایشهای لفظی و معنوی (صنایع و بدایع)

۴- تلازمه‌بندی (شاید به مفهوم ذکر لوازم و مناسبات به منظور تزیین و زیبایی عبارات از اصطلاحات جدید و گوناگون باشد).

سبک نثر انشاها

سبک نثر انشاها بویژه در دوره تیموریان متأخر، نثری منشیانه، همراه با سجع، ترصیع، تشبیهات، کنایات و استعارات گوناگون و جالب نظر است و گاهی برای زیبایی عبارات از صنایع لفظی و معنوی و مترادفات نیز استفاده شده و در بیشتر موارد، کلام منظوم برای تأکید مطلب و آرایش عبارات آمده است.^{۲۴}

پی‌نوشتها و منابع

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲) ذیل: انشاء (ص ۴۰۳-۴۰۴)، به اختصار.
۲. محمود هاشمی، تحویل نثر فارسی در شبه قاره (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۵ ش)، ص ۱۷۶.
۳. محمد خلیل رجایی، معلم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع (شیراز، دانشگاه پهلوی (سابق)، چاپ دوم، ۱۳۵۳)، ص ۱۳۲.
۴. محمود هاشمی، همان، ص ۱۷۷.
۵. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی (چاپ غنی و فیاض، ۱۳۲۴)، ص ۴۵۷.
۶. هاشم رجب زاده، "تَرْسُل"، نامه پارسی، س ۵، ش ۱، بهار ۱۳۷۹، ص ۲۵، به نقل از: آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، (تهران، ۱۳۱۷)
۷. هاشم رجب زاده، همان، ص ۲۵.
۸. همان.

۹. ۱ میرزا مقبول بیگ بدخشانی، *تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند*، ج ۴، فارسی ادب (دوم) (لاهور، پنجاب یونیورسیتی، ۱۹۷۱)، ص ۸۰۵.

۱۰. ابرای نمونه در این باره ر.ک: آفتاب اصغر، *تاریخ‌نویسی در هند و پاکستان*، (لاهور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴ ش)؛ احمد گلچین معانی، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰-۱۳۴۸) ج ۲؛ شفقت جهان ختک، *دستورنویسی فارسی در شبه قاره هند و پاکستان*، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش)؛ شهریار نقوی، *فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان*، (تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، ۱۳۴۱ ش)؛ علیرضا نقوی، *تذکره‌نویسی در هند و پاکستان*، (تهران، علمی، ۱۳۴۳)؛ سید کمال حاج سید جوادی، *دستورنویسی فارسی در شبه قاره هند*، (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۲ ش) و پایان‌نامه دکتری خانم ختک درباره انشانویسی فارسی در شبه قاره در دانشگاه تهران و بسیار منابع دیگر.

۱۱. این کتاب در ۳۲ صفحه در کانپور، مطبع نولکشور، ۱۸۵۶م. چاپ شده است. (به نقل از: محمود هاشمی، همان، ص ۱۷۷ و ۱۸۴).

۱۲. محمود هاشمی، همان، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۱۳. چاپ حیدرآباد سند، سندی ادبی بورد، ۱۹۶۴م.

۱۴. محمود هاشمی، همان، ص ۱۹۳.

۱۵. همان، ص ۱۹۴.

۱۶. *دانشنامه ادب فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۴، بخش یکم ادب فارسی در شبه قاره، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۳۳۶-۳۳۷ به اختصار.

۱۷. همان، ص ۱۲۶۸-۱۲۶۹ به اختصار.

۱۸. همان، ص ۳۱۸-۳۲۵ به اختصار.

۱۹. محمود هاشمی، همان، ص ۱۷۸.

۲۰. *دانشنامه ادب فارسی*، ص ۳۳۴.

۲۱. محمود هاشمی، همان، ص ۱۷۹.

۲۲. احمد گلچین معانی، کاروان هند، (مشهد، آستان مقدس رضوی، ۱۳۶۹)، ج ۲، ص ۸۳۲.
۲۳. اختر حسن، قطب شاهی دورکا فارسی ادب، (حیدرآباد دکن، ۱۹۷۳)، ص ۱۷-۲۴ و ۱۶۴؛ جوهر، غلامحسین، تاریخ ماه‌نامه یا تجلیات ماه لقا (نسخه خطی سالار جنگ، فن تاریخ شماره ۳۶۴، برگ ۱۷۴ ب)؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه فارسی، ذیل: انشاء؛ رضیه اکبر، نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی (حیدرآباد دکن، ۱۹۸۲م)، صص ۴۸-۵۲ و ۱۸۳-۱۸۴؛ زمانی، آصفه، محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم (دهلی نو، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۹۳)، صص ۸۱-۹۱؛ سید عبدالله، ادبیات فارسی مین هندوژن کلحصه (نئی دلی، انجمن ترقی اردو، چاپ سوم، ۱۹۹۲)، صص ۹۲-۱۰۵ و ۱۳۸-۱۴۱؛ صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش اول، (تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۳)، صص ۴۰۶-۴۰۷ و ج ۵، بخش دوم، چاپ هفتم، ۱۳۷۳، صص ۹۷۹، ۱۰۳۳ و ج ۵، بخش سوم، چاپ دوم، ۱۳۷۱، صص ۱۵۹۵-۱۵۹۹، ۱۶۲۹، ۱۷۰۰-۱۷۰۱، ۱۷۴۹، ۱۷۶۱-۱۷۶۲، ۱۷۶۵-۱۷۶۶، ۱۷۷۱-۱۷۷۴، ۱۷۷۶، ۱۷۹۰، ۱۷۹۴؛ محمد اشرف، فهرست مشروح فارسی مخطوطات سالار جنگ میوزیم و کتب خانه، مرتبه محمد اشرف، ج سوم، (حیدرآباد دکن، ۱۹۶۶)، صص ۵۷-۲۲۹، وطواط، رشیدالدین، نامه‌های رشیدالدین وطواط، با مقدمه‌ای درباره شرح حال و نقد آثار رشیدالدین، به قلم قاسم تویسرکانی (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸)، صص ۷۸-۹۲ و ۱۳۰ (مقدمه)؛ یان، ریکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴) صص ۱۸۰-۱۸۲، ۴۷۷، ۴۹۳-۴۹۴، ۴۹۸.
۲۴. نقل به اختصار از: محمود هاشمی، همان، ص ۱۷۹-۱۸۱.